نگاه

مدیریت برند راهبرد نومناطق آزاد ایرانی

عبدالرسول خلیلی
کارشناس مناطق آزاد

● رییس‌جمهور در دهمین سفر استانی خود با اعلام استان گلستان به‌مثابه دالان توسعه اقتصاد کشور، یکی از مسایل حایزاهمیت را برای این استان، تاسیس منطقه‌آزاد تجاری صنعتی دانست. این منطقه که در راستای ایجاد مرکزیتی برای انبار کالا و دپو مواد اولیه‌ای که از کشورهای مختلف به آنجا خواهد آمد تاسیس می‌شود، اینچه‌برون نام دارد. به‌گفته روحانی قرار است به‌زودی لایحه آن تهیه و به مجلس‌شورای‌اسلامی تقدیم شود. پیش‌بینی می‌شود راه‌اندازی این منطقه با توجه به افتتاح خط راه‌آهن ترانزیتی‌شدن دریای خزر که با حضور روسای‌جمهوری ایران، ترکمنستان و قزاقستان گشایش یافت، بتواند مسیر حمل‌ونقل تجارت جهانی میان شرق، از چین تا آسیای میانه و غرب جهان به‌ویژه اروپای غربی را تسهیل کند. این خط ۹۲۰کیلومتری به‌عنوان کریدور ریلی شمال به جنوب از شهر اوزن در قزاقستان تا شهر گرگان در استان گلستان ساخته شده و با کاهش حدود ۱۰هزارکیلومتر راه زمینی در مسیر اتصال راه‌آهن ترکمنستان، قزاقستان و ایران، نشان از خلق مزیت اقتصادی اینچه‌برون برای منطقه آزادشدن دارد. به‌علاوه از آنجایی که قزاقستان یکی از کشورهای غنی منابع معدنی در جهان است، ایجاد این خط‌آهن، با ایجاد منطقه صنعتی متالوژی، می‌تواند تمامی ظرفیت‌های معدنی این کشور را به‌عنوان فرصت از جمله به اینچه‌برون منتقل کرده و منطقه را به قطب سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های اقتصادی مبتنی بر منابع کانی فلزی و غیرفلزی، تبدیل کرده و صادرات مجدد را به‌عنوان فعالیت غالب منطقه‌آزاد اینچه‌برون تعریف کند. نگاه جدید دولت‌یازدهم به مناطق آزاد با توجه به ظرفیت‌های داخلی و بین‌المللی آنها می‌تواند همواره هویت و جایگاه جدید مناطق آزاد ایرانی را با برندسازی به طور موثر حفظ کند. همگی این مناطق با توجه به مزایای مانا و رقابتی که برای جذب سرمایه‌گذاری و مشارکت بخش خصوصی داخلی، خارجی، خدماتی و گردشگری دارند، باید بتوانند تولید محصولات تمام‌شده و ارایه خدمات را برحسب یک نوع برند قابل رقابت با سایر مناطق آزاد دنیا عرضه کنند، به‌طوری که لوگوی تجاری آنها حاکی از این برند خاص در هریک از آنها تعبیه شود و سرمایه‌گذاران را ترغیب کند تا برای انجام کارها به‌طور اختصاصی به محل این برند خاص مراجعه کنند و مراحل تحقق طرح‌های توجیهی فنی و اقتصادی خود را از طریق شرکت‌های دانش‌بنیاد در مناطق آزاد ایرانی دنبال کنند. از این جهت توجه به ایجاد یک مدیریت راهبردی برند با هدف برندسازی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی ایران بر اساس مزایا و ظرفیت‌های داخلی و خارجی آنها برای جذب سرمایه‌گذاری و رونق فعالیت‌های اقتصادی از اهمیت خاصی برخوردار است. از این‌رو پیوند اندیشه نو و اقتصاد در مناطق آزاد ایرانی همواره می‌تواند نویدبخش درآمدزایی و رشد کارآفرینی و بهبود فضای کسب و کار آنها باشد. نگاه سنتی و عقب‌ماندن از اندیشه‌های اقتصادی جدید بدون توجه به سازوکارهای نو در عرصه اقتصاد کاربردی مورد نظر Wto مانند آزادسازی تجارت خارجی، لغو انحصارات دولتی و خصوصی، جریان آزاد اطلاعات، تخصیص بهینه منابع به‌وسیله بازار، جداسازی دومفهوم اقتصاد و تامین‌اجتماعی و ایجاد دولت ناظر به‌جای دولت عامل در عرصه سیاست و اقتصاد، نمی‌تواند بسته‌های لازم را در چارچوب آزادسازی اقتصادی، تعرفه‌زدایی و خصوصی‌سازی به سرانجام برساند، حتی اگر در هرجای این مملکت منطقه‌آزاد ایجاد کنیم، آنچنان‌که در دولت‌های گذشته مناطق ویژه اقتصادی زیادی تاسیس شد و بازهم وضعیت اقتصادی مناطق به سرانجامی نمی‌رسید و کارکرد آنها، نمایشی بیش نبود، مزیت‌های مناطق آزاد ایران امروزه باید به‌صورت برند عرضه شوند تا پابرجا بمانند. کارایی نمادین برندها در مناطق باید به طور مستقل عمل کنند که گاهی آنچنان تاثیراتی از خود برجای بگذارند که به شکلی تقریبا غریب و وصف‌ناپذیر اسرارآمیز جلوه کنند.

نبود یک برند تجاری در حکم نشان تجاری برای یک شیوه زندگی ازدست‌رفته، نشان از بی‌هویتی آن دارد. به‌عبارتی در زبانی زنده، کلمات هرگز مستقیما به واقعیت اشاره نمی‌کنند، بلکه نحوه ارتباط ما با آن واقعیت را نشان می‌دهند. به این‌ترتیب نباید فکر کرد مناطق آزاد ایرانی در مقایسه با مناطق مشابه آنها در سطح جهان که بالغ بر بیش از سه‌هزار منطقه هستند، هیچ امکاناتی ندارند، به عکس در این مناطق ظرفیت‌ها و فرصت‌های زیادی وجود دارند که با توجه به بحث وارونگی سرمایه در سطح بین‌المللی، سرمایه‌گذاران و بنگاه‌های اقتصادی فراوانی هستند که مایلند به هردلیلی در ایران سرمایه‌گذاری کنند و این اتفاق اگر نمی‌افتد به‌طورقطع ناشی از ضعف ساختاری و مدیریتی‌ای است که توانمندی‌ها و ظرفیت‌ها در آن به برنامه تبدیل نمی‌شوند تا از طریق آن بتوانند فضای کسب‌وکار را در کشور بهبود بخشند.

ادامه در صفحه ۱۵

رییس کمیسیون صنایع «اتاق ایران» در گفت‌وگو با «شرق»:

یارانه به بنگاه‌های نزدیک به مسوولان دولت قبلی رسید

یارانه دریافتی یک واحد صنعتی طی یک سال؛ کمتر از یارانه یک خانواده ۴ نفره بود

عکس: اتاق ایران

شکوفه حبیب‌زاده: اقتصاد ایران دچار شرایط خاصی است که در برنامه‌ریزی‌های میان‌مدت و بلندمدت نیز نگاه‌ها خیره به رقم‌هایی شده که هرروز و هرلحظه روند سرازیری را طی می‌کند. قیمت هربشکه نفت که می‌افتد، تپش‌های قلب صنعت نیز تندتر می‌زند. صنعتی که به باور اقتصاددانان محور رشد اقتصادی یک کشور محسوب می‌شود، این روزها گرفتار دغدغه‌های ناشی از رکود، فضای نامناسب کسب‌وکار، تحریم‌ها، عدم همکاری بانک‌ها در اعطای تسهیلات و... است و اکنون نیز نگرانی‌های جدیدی بر آن سایه انداخته. کاهش قیمت نفتی که بودجه بر آن بنا نهاده شده، کسری منابع دولت را به همراه دارد که قرار بود برای به حرکت‌درآوردن دوباره چرخ صنعت به کار گرفته شود تا شاید اقتصاد نیز دوباره با تلنگری به راه بیفتد. برای بررسی وضعیت صنایع کشور با احمد پورفلاح، رییس کمیسیون صنایع اتاق ایران به گفت‌وگو نشستیم که در ادامه می‌خوانید:

اگر نگاهی به وضعیت صنایع در چندسال اخیر داشته باشیم، این بخش با چه مشکلاتی دست‌وپنجه نرم می‌کند؟

در سال‌های اخیر صنایع کشور با مشکلات پی‌درپی روبه‌رو شدند. سال۱۳۸۹، طرح هدفمندکردن یارانه‌ها مطرح شد که طبق آن قرار بود با مکانیسم‌های مشخص و با مشارکت مسوولان هدفمندکردن یارانه‌ها، کارگروهی با عنوان بازتوزیع یارانه‌ها در اتاق تهران تشکیل شود و امیدوار بودیم با رعایت ضوابط فشار ناشی از حذف سوبسید انرژی در صنایع حل شده یا به حداقل برسد، اما عملا مشاهده کردیم ۳۰درصدی که کارشناسانه به‌عنوان یارانه بخش تولید در نظر گرفته شده بود، پرداخت نشد. حتی در برنامه بعد که این سهم به ۲۰درصد کاهش یافت نیز جز بخش بسیار جزیی آن عملیاتی نشد و از هفت راهکاری که برای بازتوزیع یارانه‌ها ارایه کرده بودیم، تنها یک‌مورد پرداخت تسهیلات با بهره پایین برای برخی صنایع بسنده شد. پس از این ضربه، ضربه‌دوم از ناحیه تحریم‌ها به صنایع کشور وارد شد که شاید ضربه سنگین‌تری بود؛ بحرانی فراگیر که می‌شد با مکانیسم‌های حمایتی فشار را از روی صنایع کاهش داد، اما چنین نشد. در آن زمان با مجلس رایزنی کردیم که طرحی برای حمایت از تولید ارایه دهیم. آن طرح در سال۱۳۹۱ به مجلس رفت و مرکز پژوهش‌های مجلس و نمایندگان اتاق حدود ۴۰شب بررسی فشرده‌ای روی آن انجام دادند. در کمیسیون‌هایی که بررسی این طرح را برعهده داشتند، موادی به آن افزوده شد. وقتی این طرح برای رای‌گیری به صحن علنی مجلس رفت، مشکل تخصیص بودجه بالا برای آن مطرح شد. از طرفی همزمان با بررسی بودجه و برنامه۱۳۹۲ و سپس انتخابات ریاست‌جمهوری، نهایتا از دستور کار خارج شد. به سبب اهمیت موضوع، این طرح به دولت سپرده شد تا دولت اقدام به تدوین یک‌لایحه در حمایت از تولید کند. به این‌ترتیب پس از یک‌سال لایحه‌ای با همت وزیر صنعت معدن و تجارت آماده شده و به جریان افتاد. این لایحه با همفکری اتاق مورد بررسی قرار گرفت و برخی از مواد حذف‌شده و ۱۵ماده نیز به آن افزوده شد. این لایحه هم‌اکنون به مجلس رفته و مسیر خود را طی می‌کند، اما ۳۵ماده الحاقی از سوی مجلس به آن افزوده شده که هرچند مواد خوبی است، با این‌حال این نگرانی وجود دارد که به سبب سنگین‌شدن آن، باز مورد بحث زیادی در مجلس قرار گیرد و به عمر این مجلس نرسد؛ لایحه‌ای که عملا نطفه آن در کمیسیون صنعت اتاق ایران در سال۱۳۹۱ بسته شد و حاصل تجمیع هفت لایحه و طرح و بسته در ارتباط با حمایت از تولید است. ضمن آنکه ۱۷۷ماده در لایحه خروج از رکود غیرتورمی است، اما این نگرانی وجود دارد که آنقدر دیر شده و بحران در برخی از صنایع به نحوی نهادینه شود که امکان بازگشت آنها به چرخه تولید کمی دور از ذهن به نظر برسد. مشکل سومی که صنعت را به یکباره زمین زد، کاهش ارزش ریال بود. شوک سه‌برابرشدن نرخ ارز خارجی در کشور برای صنایع کمرشکن بود. فساد مالی گسترده در نظام بانکی کشور هم باعث شد تا بسیاری از بانک‌ها اگر نگوییم به‌طور کامل، اما کرکره پنجره‌های اعطای تسهیلات به صنعت را تا پایین کشیدند و به این ترتیب مولدها نیز به آتش فاسدان اقتصادی سوختند. عدم گشایش اعتبار و ممانعت از اعطای تسهیلات جدید یا تمدید تسهیلات گذشته به علت چک واخواستی و قسط معوقه به همراه بحران اقتصادی‌ای که در کشور به وجود آمده بود، دستاورد این اتفاق شوم بود.

با این اوصاف، دولت‌یازدهم توانست در راستای رفع این معضلات به یاری تولید بیاید؟

از ابتدای دولت‌یازدهم در کارگروه صنعت دفتر ریاست‌جمهوری مصایب روز صنایع را بررسی کردیم و در برنامه صدروزه مقدار قابل‌توجهی از مشکلات به‌صورت نرم‌افزاری در نظر گرفته شد و این عملکرد در ناوگان صنعت و معدن و کشاورزی ایجاد امید کرد، اما متاسفانه تا به امروز اتفاق خاصی از نظر سخت‌افزاری در این بخش نیفتاده است. خوشبختانه در حال حاضر همه پذیرفته‌اند تولید، محور توسعه است و با نگاه به کشورهای توسعه‌یافته دریافته‌اند که تمامی این کشورها از جمله کره‌جنوبی و ترکیه سوار ترن تولید شده‌اند. در حال حاضر ضروری است دولت آیین‌نامه ۲۹ماده‌ای مربوط به قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار را زودتر اجرایی کند و برخی از بندها که نیاز به آیین‌نامه ندارد را ابلاغ کند. گشایش اعتبارات برای صنعت برای ورود مواد اولیه و ماشین‌آلات از خارج از کشور نیز امری حیاتی است که باید به آن توجه ویژه شود، زیرا اگر نگاهی به سرگذشت صنعت در این کشور بیندازیم، مشکلات تولید تنها ۳۰درصد به تحریم‌ها بازمی‌گشت و ۷۰درصد باقی به‌خاطر عدم باور حیاتی‌بودن مساله تولید و ناکارآیی در بخش مدیریت کشور بود که خوشبختانه مساله دوم به‌تدریج در حال اصلاح است.

شما به سهم تولید از درآمدهای حاصل از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها اشاره کردید، اما با گذشت ۹ماه از سال، هنوز در مورد تخصیص یارانه هزارو۲۰۰میلیاردتومانی صنعت در میان مسوولان اختلاف نظر وجود دارد و هنوز یارانه‌ای که دولت وعده آن را داده بود، به دست تولیدکنندگان و صنعتگران نرسیده است. حالا به نظر شما در صورت به انجام‌رسیدن این وعده، بهترین روش برای تخصیص آن به چه شکل است؟

این میزان تسهیلات رقم قابل‌توجهی نیست که مشکلی از بخش صنعت را رفع کند. به عقیده من پرداخت یارانه نقدی به‌طور کلی مردود است. در دوره گذشته این یارانه به بنگاه‌های بزرگ که ارتباطات نزدیکی با برخی مسوولان داشتند، رسید و SMEها از دریافت آن بی‌نصیب ماندند. به‌طوری‌که در طول یک‌سال به یک‌واحد صنعتی کمتر از یک‌خانواده چهارنفره یارانه پرداخت شد! درحال‌حاضر نیز پرداخت این یارانه به‌صورت یارانه سود تسهیلات مطرح می‌شود، اما همچنان این نگرانی وجود دارد که واحدهای بزرگ و ارتباط نزدیکی به سیستم پولی و مالی دارند هم تسهیلات با حجم بالا بگیرند و هم از این تخفیف استفاده کنند و باز هم دست واحدهای کوچک و متوسط در بخش خصوصی از این مزیت‌ها کوتاه باشد. یکی از راهکارهایی که به‌طور مداوم از سوی بخش خصوصی مطرح می‌شود، پرداخت این یارانه به‌صورت تخفیف روی قبض‌های مصرف انرژی است تا عملا این یارانه به مصرف‌کننده واقعی تعلق گیرد. همان‌طور که اشاره شد، این یارانه برای صنایع بزرگ تاثیر چندانی ندارد اما در ایجاد تحرک در صنایع کوچک بسیار اثرگذار خواهد بود. به این سبب ضروری است که به سوی صنایع کوچک هدایت شود. برای این منظور می‌توانیم درصدی از یارانه مصرف انرژی را به هرواحد تولیدی، یارانه انرژی دهیم. به این‌ترتیب با وزارت نیرو برای پرداخت قبض کارخانه‌ها، معادن و کشاورزی هماهنگ کرده تا این درصد یارانه را روی قبض‌های گاز، برق و آب اعمال کنند و در کنار آن هزارو۲۰۰میلیاردتومان را مستقیما در قالب بودجه به وزارت نیرو اختصاص دهیم. این امر سبب می‌شود درصورت افزایش تولید یک‌واحد تولیدی که هدف نیز همین است، درصد استفاده از این یارانه بیشتر شود، اما اینکه چرا به این فرمول ساده توجهی نمی‌شود، جای سوال دارد. از سویی تجربه نشان داده هررقمی که به تصویب برسد، تنها ۲۰ تا ۲۵درصد آن اجرایی می‌شود. تخصیص نادرست این یارانه به جای اینکه شوقی ایجاد کند، نارضایتی و بدبینی ایجاد خواهد کرد و به برنامه‌های دولت‌یازدهم لطمه می‌زند.

همچنان این نگرانی وجود دارد که واحدهای بزرگ و ارتباط نزدیکی به سیستم پولی و مالی دارند هم تسهیلات با حجم بالا بگیرند و هم از این تخفیف استفاده کنند و باز هم دست واحدهای کوچک و متوسط در بخش خصوصی از این مزیت‌ها کوتاه باشد. یکی از راهکارهایی که مطرح می‌شود، پرداخت این یارانه به‌صورت تخفیف روی قبض‌های مصرف انرژی است

اگر نگاهی به بسته پیشنهادی دولت برای خروج غیرتورمی از رکود داشته باشیم، درمی‌یابیم که بازهم به بانک‌ها بهای بیشتری داده شده است. به عقیده شما علت این توجه به بانک‌ها و کمرنگ‌بودن تولید چیست؟

به‌عنوان یک فعال اقتصادی این باور را دارم که بانک نیز یک بنگاه اقتصادی است و باید روی پا بماند و سودآوری لازم را داشته باشد. اما باید توجه داشت بخشی از سرمایه بانک متعلق به سهامداران است و قسمت اعظم آن متعلق به سپرده‌گذاران که بانک در مقابل آنها متعهد است. اما متاسفانه می‌بینیم غالب بانک‌های کشور در شرایط بحران و سونامی‌ای که بر کشور عارض شد، سعی کردند خود را در ساحل امن نگاه دارند و در ارتباط با این ضایعه ملی مشارکت نکنند. در شرایطی که واحدهای صنعتی و معدنی سرپا هستند بانک‌ها سود می‌برند و در شرایطی که این واحدها با مشکل مواجه شدند نیز بانک‌ها تمام سعی خود را کردند تا همان سود را ازآن خود کنند. نگاهی به تراز مالی بانک‌ها مبین این نکته است که در شرایط تحریم و رکود نیز بانک‌ها سود مناسبی را بردند، در حالی‌که این وظیفه ملی بانک‌هاست که تولید کشور را همراهی کنند. هرچند بانک‌ها وظیفه حرفه‌ای خود می‌دانند که سود سهامداران و سپرده‌گذاران را افزایش دهند، اما وقتی یک ضایعه ملی به وجود می‌آید، هربخشی باید برای رفع این معضل همکاری کند. با این وجود، سیستم بانکی همراهی نکرد و تنها مشکلی که برای بانک‌ها به وجود آمد، عدم پرداخت بدهی واحدهای تولیدی به‌خاطر مشکل نقدینگی حاکم بر آن واحدها بود. این امر موجب شد تا گردش مالی بانک‌ها و نقدینگی آنها دچار مشکل شود، اما در این میان بانک‌هایی که بر اساس اصول خود عمل کردند و رابطه را اصل قرار ندادند، به اندازه کافی وثایق داشتند و توانستند از آن طریق به پول خود برسند. در این شرایط مشاهده کردیم برخی از بانک‌ها که بانک‌های بزرگی هم نیستند در تعامل با تولیدکنندگان بسیار خوب عمل کردند. بانک‌ها باید بدانند سیستم بانکی و بخش مولد کشور باید مکمل یکدیگر باشند.

به هرصورت بانک‌ها همواره سودآوربودن خود را به‌نفع سپرده‌گذاران می‌دانند و بر آن اصرار دارند. این مساله را نیز در این راستا توجیه می‌کنند... .

به‌هرحال اگر بانک‌ها خوب عمل کنند، نشان‌دهنده این است که بخشی از اقتصاد ایران خوب عمل می‌کند، اما وقتی بانک‌ها به بهانه بخشنامه معاون‌اول رییس‌جمهور در دولت‌دهم، خساست به خرج داده و از تمدید تسهیلات به بخش تولید خودداری کرده و برای تولیدکنندگانی که چک واخواستی داشتند نه‌تنها در آن واحد تولیدی که چک برگشتی داشته، بلکه در تمام واحدهای تولیدی که آن فرد عضو هیات‌مدیره آن بوده است، محدودیت ایجاد کردند، در نظر نگرفتند که این سونامی به برخی از بخش‌های بانکی نیز خواهد رسید. اینگونه نیست که در درازمدت افتخار به سودآوری کنند و چشم خود را بر نیازهای صنعت و معدن ببندند، زیرا عملا قسمت اعظم سرمایه بانک‌ها به مردم تعلق دارد و نه به سهامداران بانک. هرچند مردم می‌خواهند از سود بانکی بهره‌مند شوند، اما واقعیت این است که اغلب آنها فکر می‌کنند غیرمستقیم به اشتغال و تولید ناخاص ملی کمک می‌کنند. اگر افشاگری شود که بخش زیادی از منابع بانک‌ها در زیرمجموعه خودشان برای پروژه‌های اختصاصی خود خرج می‌شود یا ضربه‌ای به بانک‌ها دیگر می‌رسد، آنگاه اعتماد عمومی به بانک‌ها کمتر خواهد شد و بانک صدمه خواهد خورد، امیدوارم حمایت کمی یک‌طرفه که در بسته خروج از رکود و لایحه حمایت از تولید وجود دارد، تعدیل شده تا هم بانک‌ها روی پا بمانند و هم تولید بتواند به فعالیت خود ادامه دهد.

ادامه در صفحه ۱۵

خبر

دستور ویژه روحانی به ۲ وزیر

● **مهر:** معاون فنی سازمان حفظ نباتات کشور با اشاره به تدوین طرح ارتقای سلامت محصولات کشاورزی با همکاری دو وزارتخانه بهداشت و جهاد کشاورزی، گفت: اجرای این طرح از سال۹۴ آغاز می‌شود. یحیی ابطالی گفت: در خردادماه سال‌جاری بر حسب دستور ریاست‌جمهوری به دو وزیر بهداشت و جهاد کشاورزی، موضوع ارتقای سلامت محصولات کشاورزی مطرح شد و از آن زمان دو وزارتخانه با کار مشترک و مداوم طرحی را در قالب طرح ارتقای سلامت محصولات کشاورزی تدوین کردند. وی با بیان اینکه طرح مذکور شامل ۱۰گروه محصولی از جمله برنج، مرکبات، سبزی، صیفی، سیب، دانه‌دارها و غیره است، گفت: ما پیشنهاد کردیم طرح پایلوت این کار در مورد گوجه‌فرنگی در چهار استان جنوبی کشور از جمله بوشهر، جنوب کرمان و بندرعباس انجام شود تا نقاط ضعف‌مان برای اجرای طرح بزرگ ۱۰گروه محصولی مشخص شود و منتظر بودیم که طرح پایش گوجه‌فرنگی در اواخر شهریور و اوایل مهرماه به ما ابلاغ و برای تمامی گوجه‌کاران جنوبی انجام شود که متاسفانه تاکنون خبری از آن نشده است.

۳ عامل رشد نقدینگی سال ۹۲

● **تسنیم:** ادغام دو موسسه و تاسیس پنج بانک جدید، افزایش مطالبات معوق بانک‌ها و رشد خالص دارایی‌های خارجی بانک‌ها سه‌دلیل اصلی رشد ۲۹/۱درصدی نقدینگی در سال۹۲ اعلام شد.

رییس سازمان بسیج مهندسین:

یک‌چهارم درآمد نفت، صرف واردات کالاهای اساسی شد

● **فارس:** رییس سازمان بسیج مهندسین کشاورزی و منابع طبیعی با بیان اینکه تولید غذای سالم و حلال باید رکن اصلی کارمان باشد، گفت: سال گذشته یک‌چهارم درآمد نفت به واردات کالاهای اساسی اختصاص یافت. محمدرضا جهانسوز، رییس سازمان بسیج مهندسین کشاورزی و منابع طبیعی در نخستین همایش سراسری فرماندهان پایگاه‌های مقاومت بسیج وزارتخانه، گفت: برای هر کشور امنیت غذایی مفهوم دارد، ولی مفهوم آن برای کشور ما با توجه به بحران خشکسالی که یک زلزله خاموش است، خاص‌تر است.

LEON
Since 1960
Respecting you is our business.

تجربه لحظات گرم و صمیمی
در شعبه نیاوران

نیاوران: خیابان دکتر باهنر(نیاوران)
قبل از دوراهی دزاشیب
تلفن : ۲۲۷۷۲۴۰۰-۲۲۷۷۲۴۴۰۰

www.leon1960.com